

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره بیست و هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۷ (پیاپی ۵۴)
(ویژه نامه جمعیت و توسعه)

تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی، در
مناطق روستایی استان ایلام

جواد نظری* دکتر عباس امینی فسخودی**

دانشگاه اصفهان

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف شناخت و تبیین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان گرایش به نزاع جمعی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی استان ایلام، در مناطق روستایی سه شهرستان اجرا گردیده است. به این منظور پس از بررسی اجمالی تاریخچه موضوع، مکاتب و نظریه‌های مختلف موجود در این زمینه، با استفاده از روش اندازه‌گیری و تدوین پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۱۴۰ سؤال در نمونه‌ای به حجم ۱۶۵ نفر از زنان و مردان بالای ۱۵ سال مناطق روستایی سه شهرستان ایلام، چرداول و ایوان، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات گردید. پس از استخراج و فراغت از داده‌های جمع‌آوری شده و تهیه شاخص‌های آماری مناسب متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، سه روش آماری تحلیل رگرسیون، آزمون T و آزمون تحلیل واریانس مورد استفاده قرار گرفت. نتایج به دست آمده حاکی از تأثیر معنی‌دار مثبت و همچنین متغیرهای "پرخاشگری"، "قوم‌گرایی" و "تجربه عینی نزاع" و همچنین تأثیر معنی‌دار منفی میزان تحصیلات بر روی میزان گرایش به نزاع می‌باشد. همچنین هیچ‌گونه تفاوت معنی‌داری بین دو گروه زنان و مردان و افراد متأهل و مجرد در مورد هیچ‌کدام از دو متغیر گرایش به نزاع (به عنوان متغیر وابسته) و پرخاشگری (به عنوان تأثیرگذارترین متغیر مستقل) در جوامع روستایی استان وجود ندارد، به عبارت دیگر نشان دهنده‌ی عدم تأثیر معنی‌دار جنسیت و تأهل بر متغیر وابسته می‌باشد. همچنین میزان گرایش به نزاع و پرخاشگری در بین طوایف مختلف و مناطق روستایی شهرستان‌های مورد مطالعه تقریباً یکسان می‌باشد.

* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

** استادیار بخش جغرافیا

واژه‌های کلیدی: ۱. نزاع جمعی ۲. پرخاشگری ۳. قوم‌گرایی ۴. تجربه عینی نزاع ۵. انسجام اجتماعی ۶. استان ایلام.

۱. مقدمه

در تاریخ ایران همانند بسیاری از جوامع دیگر، تنوع معیشتی، فرهنگی، فراوانی ارتباطات درون‌گروهی، کمی ارتباطات برون‌گروهی، محرومیت‌ها، نابرابری‌ها و غیره، زمینه‌ساز بروز نزاع‌های جمعی بوده‌اند که اغلب این نزاع‌های جمعی را رژیم‌های مستبد سرکوب می‌نموده‌اند. این نزاع‌های جمعی با تضعیف یا از میان رفتن فشارهای سیاسی از بالا، به اشکال دیگر نمود می‌یافته و در نهایت باز هم رژیم‌های سیاسی رسمی و غالب بر جامعه اقدام به سرکوب آن‌ها می‌نموده‌اند. بدین ترتیب نزاع‌های جمعی در هر جامعه، همیشه به‌عنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح بوده و این مسأله در گذشته و امروز هم، منشأ خسارت‌های مالی و جانی فراوان و مانع توسعه اجتماعی بوده است. توصیف و تبیین عوامل مؤثر بر نزاع‌های جمعی، از لحاظ (علمی و اجتماعی) اهمیت فراوانی دارد. در تحقیق حاضر، منظور از نزاع جمعی، درگیری یا دعوایی است که معمولاً با انگیزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در درون یا بین جوامع عشایری یا روستایی به‌طور محدود یا گسترده، و یا به‌صورت مسلحانه یا غیرمسلحانه بین عده‌ای از افراد به وقوع می‌پیوندد که معمولاً به وارد آمدن خسارت‌های مادی و معنوی منجر می‌شود. نزاع (Quarrel)، برخورد‌های جمعی ستیزه‌جویانه و پرخاشگرانه‌ای است که به علل گوناگون به وجود می‌آیند و به جرح و قتل می‌انجامد (پورافکاری، ۳۷۵: ۱۳۸۳). موضوع کجروی و انحراف در همه جوامع - سنتی یا مدرن - و در همه سنین - پیری یا جوانی - با درجه‌های متفاوت مطرح بوده و هست و بر اساس آرای صاحب‌نظران کارکردگرایی، درصد محدود و به نسبت ثابتی از کجروی و نابهنجاری در همه جوامع، نه‌تنها جنبه‌ای طبیعی و به‌هنگار دارد؛ بلکه لازم و ضروری نیز می‌باشد. به‌طور معمول نزاع جمعی، از جمله مسائل اجتماعی است که علاوه بر ایجاد فضایی آکنده از خشم و نفرت و مکدر کردن روابط انسانی، امنیت استان رانیز از جنبه‌های مختلف تهدیدنموده و به‌نوعی انسجام جامعه را با مشکل روبه‌رو می‌سازد. اهمیت موضوع در این است که براساس اعلام نظر معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا در شهرستان ایلام، مسأله نزاع جمعی، به‌عنوان مهم‌ترین معضل اجتماعی استان مطرح بوده و براساس جمع‌بندی پیشنهاد اعضای کارگروه اجتماعی در خصوص مسائل اجتماعی استان، نزاع جمعی، دارای اولویت اول جهت بررسی می‌باشد؛ بنابراین با شناخت عوامل مؤثر بر نزاع جمعی، می‌توان در جهت رفع مکانیسم‌های آن فرهنگ‌سازی کرده و با نظارت صحیح، (به‌جای اعمال رویه‌های نامطلوب برای این مسأله)، بسترهای لازم و مناسب را (حداقل به‌منظور کاهش آن) فراهم آورد. مسائل اجتماعی جامعه، پدیده‌های اجتماعی، اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی قرار می‌گیرند (عبداللهی، ۳۷: ۱۳۸۳). مسائل اجتماعی به‌عنوان پدیده‌های نامطلوب، اذهان صاحب‌نظران و افکار عمومی را به خود مشغول داشته‌اند و نزاع جمعی، از

جمله مسائل اجتماعی می‌باشند که نه تنها متأثر از جنبه‌های مختلف حیات بشری است؛ بلکه بر آن‌ها تأثیرگذار خواهد بود. نزاع جمعی، به‌عنوان یک مسأله اجتماعی، به ویژه در مناطق طایفه‌ای و قبیله‌ای به صورت جدی تری مطرح است (نظری، ۱۳۸۳). بسیاری از این نزاع‌ها موجب مرگ‌ومیر و مجروح شدن افراد زیادی شده است که در صورت استفاده از سلاح گرم در این نزاع‌های جمعی، آمار تلفات آن، اعم از کشته و مجروح افزایش می‌یابد.

طی سال‌های ۷۶-۸۰ در مجموع ۳۰۲۹۹ مورد نزاع غیرمسلحانه در سطح کشور به ثبت رسیده که در این نزاع‌ها ۶۶۰ نفر کشته و ۲۷۶۳۳ نفر مجروح شده‌اند. بیشترین نزاع دسته‌جمعی غیرمسلحانه، مربوط به سال ۷۷ بوده است. از نظر انگیزه این‌گونه نزاع‌ها، اختلافات خانوادگی با ۲۹/۶۴ درصد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. همچنین بر اساس آمار و ارقام اداره آمار ناجا، طی سال‌های ۷۶-۸۰ در مجموع ۲۰۲۵ مورد نزاع دسته‌جمعی مسلحانه، به وقوع پیوسته که بیشترین وقوع درگیری جمعی مسلحانه مربوط به سال ۷۸ است و بیشترین آمار کشته شده‌ها مربوط به سال ۷۷ می‌باشد. انگیزه ۲۷/۷۵ درصد از نزاع‌های جمعی مسلحانه، اختلاف‌های مالی و ملکی بوده است (حسینی، ۱۰۲: ۱۳۸۳). با توجه به آمار نزاع دسته‌جمعی و میانگین فراوانی آن در سال‌های ۷۶ لغایت ۸۱، میزان توزیع این پدیده در استان ایلام، به‌ازای هر یکصد هزار نفر به ترتیب سال‌های مذکور، برابر با ۹/۸، ۱۱/۵، ۱۱/۷، ۱۴/۴، ۱۳/۵، ۲۱/۲، ۱۵/۶ و ۱۴ است که دارای میانگین ۱۴ می‌باشد. آمار و ارقام قوه قضاییه نشان می‌دهد که از سال ۷۶ لغایت ۸۰، استان ایلام با داشتن ۸۰۵/۳ پرونده از نظر میزان موارد خشونت، در رتبه پنجم کشوری قرار دارد (صدیق سروستانی، ۸۷: ۱۳۸۳). حال این پرسش مطرح می‌شود که ریشه‌ها و عوامل اساسی این مسأله به (ویژه در استان ایلام) در چه عواملی باید جستجو کرد؟

هدف عمده این تحقیق، توصیف و تبیین علل و عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر گرایش روستاییان به نزاع جمعی و ارائه راه‌حل‌های مناسب جهت رفع و کنترل این نزاع‌ها در مناطق روستایی استان ایلام می‌باشد. در این زمینه سئوالات زیر مطرح می‌شوند؛

- میزان گرایش به نزاع در چه حدی بوده و مهم‌ترین عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن کدامند؟

- آیا میزان گرایش به نزاع، از متغیرهایی نظیر جنسیت، تأهل و طایفه تأثیر می‌پذیرد؟

۲. پیشینه تحقیق

بررسی مسائل اجتماعی، از عمده‌ترین مباحث جامعه‌شناختی می‌باشد که از اوایل قرن بیستم به ویژه از دهه چهل، در آمریکا و سپس در سایر کشورهای اروپایی اهمیت یافته است. مرتن، اولین فردی بود که به طرح جامعه‌شناسی مشکلات اجتماعی پرداخت و سپس از دهه ۱۹۶۰ میلادی تاکنون، اکثر جامعه‌شناسان، روانشناسان و سایر متفکران اقدام به طرح نظریه‌های متعددی در این زمینه نموده‌اند

(آزاد ارمکی، ۱۳: ۱۳۷۷). صاحب‌نظران این مسأله‌ی اجتماعی را نه با عنوان نزاع جمعی؛ بلکه با موضوعاتی تحت عنوان خشونت، تضاد، پرخاشگری، جنایت و ... مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین اگر نزاع جمعی را رفتاری خارج از هنجارها و قواعد اجتماعی و به عنوان یک مسأله تلقی نماییم، می‌توان گفت که مطالعات زیرداری ارتباط نزدیکی با نزاع جمعی می‌باشند.

در مطالعه دورکیم درباره آنومی، که آن را نوعی بی‌سازمانی اجتماعی، اختلال، اغتشاش، گسستگی و بی‌هنجاری در نظام جمعی می‌داند، او بی‌هنجاری را به مفهوم عدم اجماع درباره اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و آنچه جامعه به عنوان قواعد الگوهای عمل برای اعضای خود مشخص نموده؛ به کار می‌برد. بر اساس این تئوری، عدم توافق در مورد هنجارهای اجتماعی و عدم یگانگی و همبستگی اجتماعی عامل بروز انحراف است؛ بنابراین نزاع جمعی و سایر اشکال کج رفتاری در اندیشه دورکیم، معلول مکانیسم‌های معین و عوامل اجتماعی مشخص می‌باشد (محسنی تبریزی، ۵۴ و ۶۱: ۱۳۸۳).

مطالعه هیرشی نیز با الهام از اندیشه‌های کارکردگرایی دورکیم، به دنبال پاسخ به این سوال اساسی بود که علت هم‌نواپی چیست؟ که بر این اساس تئوری کنترل را توسعه داد. او عمل کج‌روی را در نبود کنترل اجتماعی می‌داند و این گونه استدلال می‌کند؛ آنهایی که پیوند قوی با جامعه دارند از شکستن قواعد و معیارهای آن خودداری می‌کنند و آنهایی که پیوند ضعیفی با هنجارهای جامعه دارند و یا هیچ پیوندی با آن‌ها ندارند، برای کج‌روی مستعدتر و آزادتر هستند (ممتاز، ۴۰: ۱۳۸۱).

اتکینسون، در مطالعه خود، علت اساسی عدم پیروی از هنجارها را عدم کارکرد قوی سیستم کنترل می‌داند. براساس تئوری مبادله و تئوری انگیزه آقای اتکینسون، انسان هنگامی دست به یک عمل (A) می‌زند که از یک طرف ارزش (V) آن عمل (A) و از طرف دیگر احتمال (E) اجرای آن عمل (A) بیشتر از ارزش و احتمال اجرای (یا انتظار موقعیت) عمل دیگر B باشد. ارزش عمل (VA) × انتظار موقعیت عمل (EA) < (EB × VB) مثلاً زمانی که یک راننده به علت دوری راه بخواهد خیابان یک‌طرفه را خلاف برود، در صورتی که جریمه‌ی آن تخلف از نظر او و براساس مقیاس‌های او خیلی زیاد نباشد و یا به علت عدم حضور پلیس در آن اطراف انتظار پلیس و جریمه را نداشته باشد؛ تخلف خواهد نمود (رفیع پور، ۲۴۷: ۱۳۷۸).

تحقیق دیگری که آلبرت کوهن در سال ۱۹۹۵ در مورد خرده فرهنگ‌های بزهکاری در شهرهای بزرگ آمریکا داده رفتارهای نابهنجار ناشی از عدم قبول جامعه‌ی آبرومند است.

پژوهش‌های انجام شده در ایران، پیرامون موضوع مورد بررسی اندک است. اختلاف‌های قومی به آن علت که در نهایت به جنگ بین انسان‌ها ختم می‌شود، اغلب جامعه‌شناسان رابه تأمل واداشته است و اکثریت آن را در مقوله جنگ بررسی نموده‌اند. لیکن هدف ما مطالعه جنگ نیست؛ بلکه مطالعه برخوردها و تنش‌های است که به صورت دوره‌ای، در مکان‌های خاص روی می‌دهد و ریشه فرهنگی در بسیاری از آن‌ها غالب است. مطالعه‌های جهانی در مورد قبیله‌ها اکثراً سیاسی بوده که علاقه‌مند به ثبت

علاقه خود با اعمال سیاسی، جنگ و خون‌ریزی هستند؛ ولی در موضوع مورد نظر ما چنین نیست، و مطالعه تنش‌های جمعی در استان مطرح است و حقیقت امر به فرهنگ درونی آن اقوام برمی‌گردد. به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

در اصل اشارات کسانی که در مورد طوایف و عشایر مطالعاتی داشته‌اند در این زمینه به صورت غارت و جنگ آمده است؛ (مانند مطالعات صفی‌نژاد در زمینه جنگ‌ها و حمله‌های عشایر بر یکدیگر). این مطالعه‌های ارزنده اکثراً تاریخی- جغرافیایی بوده و در آنها به طور عمیق به مسائل فرهنگی پرداخته نشده است.

تحقیقی با عنوان "تحلیلی بر تنش‌های قومی در ایران"، که پورافکاری انجام داده است. محقق در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات، از روش میدانی و (با اتکا به اسناد و مدارک) استفاده نموده است. جامعه آماری، کوهدشت می‌باشد و از جمله نتایج به دست آمده این است که این مسأله بیشتر در میان خانواده‌های ی با درآمد کمتر رخ می‌دهد. ابعاد فرهنگی و اجتماعی ساکنان منطقه؛ مانند بی‌سوادی، عدم آشنایی به قانون‌ها، حفظ سنت‌های قبیله‌ای، ضعف مالی و تعصب قومی در این مسأله مؤثر بوده‌اند (پورافکاری، ۳۸۳: ۱۳۸۳).

در تحقیقی که استانداری استان لرستان در سال ۱۳۷۲ در مورد طرح تحقیق توصیف و تبیین جامعه‌شناختی نزاع‌های جمعی انجام داد، محققان به منظور گردآوری اطلاعات مورد نیاز از روش‌های پیمایشی، تحلیل محتوا و اسنادی بهره گرفته‌اند. جامعه آماری این پژوهش، جامعه‌های عشایری، روستایی و شهری استان لرستان بوده‌اند که نتایج آن به شرح زیر است؛ میزان انسجام عام که از ویژگی‌های مهم اجتماع عام به شمار می‌آید، در سطح استان به نسبت ضعیف بوده است و یکی از علل مهم نزاع‌های جمعی به حساب آمده است. میزان انسجام عام و عام‌گرایی، به ترتیب در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی و در روستا بیش از مناطق عشایری می‌باشد (عبدالهی و چلبی، ۱۳۷۲).

در تحقیقی که به درخواست شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام با عنوان "بررسی روش‌های حل نزاع‌های قومی منجر به قتل در بین عشایر ایل تبار ایلام" در سال ۱۳۷۵ صورت گرفته، محقق به این نتایج رسیده است که پیشینه زندگی اجتماعی جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد که، علیرغم وجود اعتقادات مذهبی و پیروی از قوانین حقوقی در مراجع قضایی، همواره گروهی از مردم استان با توجه به مناسبت‌های باقی‌مانده از بافت عشیره‌ای استان، نزاع‌های خود را تحت تأثیر عرف و سنت‌های قومی حل و فصل نموده‌اند. این پژوهش، با هدف مقایسه شیوه‌های حل نزاع‌های قبیله‌ای از طریق مراجع قضایی و آداب و رسوم محلی و امکان پیوند رفتارهای عرفی با ساختار جدید اجتماعی، طراحی شده است (طهماسبی، ۱۳۷۵).

۳. مبانی نظری

۳.۱. گذری بر نظریه‌های موجود

هر بررسی علمی و تجربی از نزاع جمعی، بدون مراجعه به اصول نظریه‌ی عمومی کژرفتاری در مکاتب و حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زیست‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی، خام و نارسا خواهد بود. از طرفی تبیین رفتار کجروانه به‌عنوان یک مجموعه‌ی به هم پیوسته، نیازمند بررسی کلیه‌ی عوامل و متغیرهای اجتماعی، روانی، فرهنگی، زیستی و اقتصادی در ارتباط متقابل با یکدیگر است. بررسی مسأله‌ی نزاع جمعی از دیدگاه‌های مختلف، به ما این امکان را می‌دهد تا ابعادی از موضوع را که هرگز مورد توجه قرار نگرفته است؛ کشف نماییم. بدین منظور لازم است در آغاز به نظریه‌های کژ رفتاری در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و رفتاری رجوع نموده و سپس با ملاحظه‌ی تئوری‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و روانکاوی، زیست‌شناسی و پزشکی انحراف‌ها بتوانیم واقعیت نزاع جمعی را به‌عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی تبیین، و نظریه‌ها و راه‌حل‌های فرضی موجود در این زمینه را تشریح نماییم. با توجه به اینکه هدف این مقاله بررسی نزاع جمعی از دیدگاه جامعه‌شناسی است، لذا با صرف‌نظر از فرضیه‌های مختلف در زمینه‌ی انحراف‌ها، گذری کلی به برخی فرضیه‌های جامعه‌شناسی و دسته‌بندی‌های صورت گرفته در این حوزه خواهیم داشت.

در قلمرو جامعه‌شناسی که شامل حوزه‌ها و مکتب‌های نظری مختلفی است، بی‌هنجاری و کژرفتاری به‌عنوان مفهومی اساسی مطرح است. بی‌هنجاری به مفهوم سرگشتگی آدمی در برابر قوانین، قواعد و هنجارهای اجتماعی و وضعیت اجتماعی‌ای است که در آن هنجارها و معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شوند و یا آنکه با یکدیگر ناهمساز بوده و فرد برای هماهنگ شدن با آن‌ها دچار سردرگمی شود. در نتیجه فرد در وضعیتی قرار می‌گیرد که به درون خویشتن خود پناه برده و بدبینانه همه‌ی پیوندهای اجتماعی را نفی می‌کند. علی‌رغم تبیینات خاص جامعه‌شناسان از مفهوم انحراف‌ها و عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر آن، در چند زمینه نظریه‌های آنان در مورد بی‌هنجاری، عام و مشترک است.

- ریشه‌های انحراف و علت‌های آن را نه در درون فرد، بلکه در بیرون از او و در واقعیت‌های اجتماعی، نهادها، ساختارها، رابطه‌های اجتماعی و نظایر آن جستجو می‌کنند.
- نقطه عزیمت آن‌ها از جامعه و ساخت اجتماعی است.
- افعال و کنش‌های فرد را در مقابل رویاروی با جامعه می‌سنجند.
- واحد تحلیل آن‌ها جمع است نه فرد.
- جرم و بزهکاری را امری تحمیلی و ناخواسته به‌شمار می‌آورند که از سوی نظام اجتماعی بر فرد تحمیل گردیده است.

نخستین نظریه‌های جامعه‌شناسی درباره‌ی بزهکاری را کتله^۱ و گری^۲ عنوان نمودند. گری و کتله با بررسی سالنامه‌های آماری، به این نتایج دست یافتند که مجموع سالانه‌ی بزهکاری به‌گونه‌ای غیرعادی در چند دهه ثابت بوده و نسبت انواع بزهکاری در این مدت بطور تقریبی ثابت مانده بود و

نتیجه این که بزهکاری یک امر اجتماعی محسوب می‌شود (محسنی تبریزی، ۵۰-۴۵: ۱۳۸۳). با مطرح شدن نظریه‌های کتله و گری، بررسی بزهکاری در نزد جامعه‌شناسان وارد مرحله‌ی جدیدی گردید. لذا جامعه‌شناسان با نگرش‌های متفاوت به این موضوع پرداختند.

طبقه‌بندی‌های متعددی از مکتب‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی در زمینه انحراف‌ها و بزهکاری‌های اجتماعی در منابع مربوط صورت گرفته است. هارالامبوس^۳ نظریه‌های انحراف‌ها را به چند گروه از جمله؛ نظریه‌های کارکردگرایی (Functionalism)، نظریه‌های ساختاری (Structuralism) و خرده فرهنگ انحراف و فرضیه‌های بوم‌شناختی انحراف مکتب شیکاگو؛ تقسیم می‌کند. در گروه اول نظریه‌های دورکهایم^۴، پارسونز^۵ و مرتن^۶ را در باب انحراف می‌توان مطرح ساخت. در گروه دوم جامعه‌شناسان و صاحب‌نظرانی نظیر آلبرت کوهن^۷، والتر میلر^۸، ریچارد کلوارد^۹ و لوید اهلین^{۱۰} قرار دارند. صاحب‌نظران برجسته‌ی حوزه بوم‌شناختی انحراف مکتب شیکاگو؛ مک‌کی^{۱۱} و کلیفورد شاو^{۱۲} می‌باشند. لسلی^{۱۳} و هورتون^{۱۴} با ارایه طبقه‌بندی مشابهی، نظریه‌های کثرتفاری را به سه دسته‌ی رهیافت پیوستگی افتراقی (Differential Association)، رهیافت کشمکش گروهی (Group Conflict) و رهیافت خرده‌فرهنگ بزهکاری (Sub-culture of Delinquency) تقسیم کرده‌اند. برخی دیگر از صاحب‌نظران، نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات را در دو نحله‌ی نظری نظم اجتماعی و انتقاد اجتماعی مطرح نموده‌اند. نظریه‌ی نظم در برداشت‌های خود بر حفظ وضع موجود تأکید دارد، حال آنکه نظریه انتقاد اجتماعی به دگرگونی اساسی و بنیانی نظم حاکم معتقد است. این دو مکتب برداشت‌های کاملاً متمایزی در زمینه‌ی گزینش مسائل اجتماعی، سنجه‌های تعریف، قواعد تبیین بهزیستی و آسیب‌شناسی اجتماعی، ماهیت کثرتفاری، تبیین مسائل اجتماعی و تخفیف آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی و حل این مسائل ارائه می‌دهند. پیروان این دو نظریه همچنین در زمینه گرایش‌های آرمانی، گذشته تاریخی، مبانی فلسفی، مفاهیم اساسی، جامعه، سرشت انسان، مبانی روش‌شناسی و سرانجام تعریف و تبیین آسیب‌ها و مسائل اجتماعی و چگونگی حل آن‌ها اختلاف نظر دارند (اشرف، ۱۶-۱۴: ۱۳۵۵).

کوئن، (۱۳۷۲) سه نوع راه حل را تبیین رفتار انحراف‌آمیز برحسب اجتماعی شدن ناقص، مطرح می‌سازد. براساس یکی از این راه حل‌های فردی که درست اجتماعی نشده است، هنجارهای فرهنگی را در شخصیت خود عجین نمی‌سازد و لذا نمی‌تواند میان رفتار شایسته و ناشایست تمایزی ایجاد نماید. بر طبق راه حل دوم فرد منحرف باید نخست منحرف شدن را یاد بگیرد. راه حل سوم، انحراف را نتیجه‌ی نارسایی‌های موجود در یک فرهنگ و ساختار اجتماعی یک جامعه می‌داند. هر جامعه‌ای نه تنها هدف‌های فرهنگی تجویز شده، بلکه وسایل مشروعی را نیز برای دستیابی به این هدف‌ها در اختیار دارد و در صورت عدم دسترسی فرد به این وسایل آن شخص به رفتار انحراف‌آمیز اقدام می‌نماید.

۲.۳. چارچوب نظری انتخاب شده

با توجه به مطالب گفته شده، در ادامه سعی می‌کنیم ارتباط متغیرهای اجتماعی و گرایش به نزاع

جمعی را روشن تر نماییم. دیدگاههای غالب معمولاً اسیر تنگ نظری‌ها و تک سبب‌بینی‌های حوزه‌های نظری خود بوده‌اند و برخی از آن‌ها آنقدر کلی‌نگر هستند که قابلیت بررسی تجربی ندارند، از این رو به نظر نمی‌رسد که مسأله نزع جمعی در قالب هیچ یک از نظریه‌های ذکر شده به‌تنهایی قابل تبیین باشد. لذا چنان چه بخواهیم این مسأله‌ی را به عنوان یک مسأله تحقیقی در قالب نظریه‌ها و روش‌های جامعه‌شناختی به شیوه تجربی مورد بررسی قرار دهیم، ناچاریم ضمن ترکیب جنبه‌های همگرایی نظریه‌های مطرح شده، به تهیه یک چارچوب نظری جدید بپردازیم و تنها به طرح نظریه‌های بپردازیم که ارتباط نزدیکی با رفتار نزع دارند.

۱.۲.۳. تبیین‌های زیست‌شناختی: برخی از آسیب‌شناسان اجتماعی، به بررسی انواعی از علل کجروی، از جمله آسیب‌پذیری‌های ژنتیک، اضافات موجود در کالبد افراد، نارسایی‌های جسمی و ... می‌پردازد که می‌تواند زمینه‌ساز زیستی این‌گونه رفتارها باشد و بعدها در خلال کنش‌های متقابل محیطی و اجتماعی درازمدت، به گونه‌های خاص از رفتار کجروانه بدل شود. این تبیین‌ها متغیرهای جسمی و زیستی را عامل پیدایش کجروی به شمار می‌آورند و برای نمونه مواردی؛ مانند نقص جسمی، نابهنجاری‌های کروموزومی، وضعیت خاص ژن‌ها، جنس، سن و ... را علت کجروی محسوب می‌دارد که از جمله نظریه‌های این رویکرد می‌توان، نظریه لومبروز، نظریه تیپ بدنی ویلیام شلدن و ارنست کرچمر، نظریه کروموزوم، نظریه هانس آیزنک و نظریه تراسلر را نام برد، که البته این رویکرد در جامعه‌شناسی جایگاهی نداشته و صرفاً می‌توان از بعضی متغیرهای آن جهت تحلیل استفاده نمود.

۲.۲.۳. تبیین‌های روان‌شناختی: روان‌شناسان که فرد را واحد مطالعات خود می‌پندارند، پدیده‌ی انحراف را ناشی از عدم رشد کامل شخصیت فرد دانسته و در پی آنند تا میان کجروی و ویژگی‌های شخصیتی انسان رابطه‌ای ایجاد نمایند. در تبیین روان‌شناختی بزهکاری، سه نوع راه حل قابل ملاحظه است (محسنی تبریزی، ۱۳۳: ۱۳۸۳)؛

الف- نظریه‌های که بر "عامل رفتار" تأکید دارند، فرد منحرف را به طور ذاتی کژرفتار می‌دانند.
 ب- نظریه‌های که به "وضعیت رفتار" می‌پردازند و به آن اهمیت می‌دهند، باور دارند که هر کس در وضعیت نامناسب قرار بگیرد کژرفتاری می‌کند.
 ج- نظریه‌های ی که بر تأثیر هم‌زمان "عامل رفتار" و "وضعیت رفتار" تأکید دارند. در این نظریه‌ها، این احتمال که فرد کجرو در وضعیت مناسب با کژرفتاری از رفتار نادرست بپرهیزد، تا حدی وجود دارد. این راه حل، کژرفتاری را محصول کنش متقابل میان عامل رفتار و وضعیت رفتار می‌داند.
 این فرضیه‌ها پایه و اساس انحراف را به تجربه نابهنجار مربوط می‌دانند. این تجربه موجب بروز کمبودهای شخصیتی در اشخاص کژرفتار می‌گردد. اغلب فرضیه‌های روان‌شناسی بر این باورند که در فرآیند اجتماعی‌شدن فرد منحرف و معمولاً در رابطه بین مادر و فرزند، نقصان وجود داشته است. این کمبود شامل ناراحتی عاطفی است که به پیدایی خصلت‌های کژرفتار منتهی می‌شود. از نگاه روان‌شناختی الگوهای متعددی برای بررسی پدیده انحراف مطرح شده که به نظر می‌رسد آنچه بیش از

همه به حوزه جامعه‌شناسی نزدیکتر بوده و امکان بررسی تجربی در سطح مطالعه جامعه‌شناختی در خصوص گرایش به نزاع را دارا می‌باشد، "پرخاشگری" است.

از دید نظریه‌های روان‌شناسی، "پرخاشگری" را می‌توان عملی تعریف کرد که هدفش اعمال صدمه و رنج است؛ بنابراین پرخاشگری را می‌توان معلول هر موقعیت ناخوشایند یا ملال‌انگیز از قبیل درد، دل‌تنگی و غیره دانست. مهمترین عامل در ایجاد پرخاشگری از میان همه موقعیت‌های ملال‌انگیز، "ناکامی" است. در این فرضیه، پرخاشگری فرآیند جریانی در نظر گرفته می‌شود که در خلال آن افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی در آن‌ها شکل می‌گیرد. ناکامی حاصل از چنین جریانی، در نهایت سبب بروز حرکات و رفتارهای پرخاش‌جویانه و خشونت‌آمیز در بین افراد می‌گردد که از آن به پرخاشگری تعبیر می‌شود.

نظریه پردازان اولیه این فرضیه دولارد، دوب، میلر، مورر، و سیرز بر این باور بودند که ناکامی همواره به نوعی پرخاشگری منجر می‌گردد و پرخاشگری نیز به نوبه خود نتیجه نوعی ناکامی است. در تعریف ناکامی نیز آن را احساسی می‌دانند که در نتیجه ایجاد مانع بر سر راه رسیدن به هدفی که فرد آن را مطلوب می‌شمارد پدید می‌آید (محسنی تبریزی، ۷: ۱۳۷۲). این هدف می‌تواند ذهنی باشد و یا ممکن است در رفتار ظاهر تجلی یابد. براساس یافته‌های فوق می‌توان مدعی بود، افرادی که بیشتر پرخاشگرند به احتمال افرادی خواهند بود که گرایش بیشتری به نزاع دارند؛ لذا این متغیر به عنوان یکی از متغیرهای مهم مستقل مطرح گردید.

مطالعات روانشناسی نشان داده که "مشاهده رفتار پرخاشگرانه"، محرکی برای افراد است تا "پرخاشگرانه" رفتار کنند. توجه به این نکته مهم است که کودکان مشاهده‌گر، رفتار پرخاش‌جویانه خود را محدود به تقلید صرف نمی‌کنند؛ بلکه انواع پرخاشگری‌های بدیع و جدید را خلق می‌نمایند. این امر دلالت بر آن دارد که تاثیر یک نمونه، عمومیت پیدا می‌کند. یکی از متغیرهای مستقل این تحقیق، "تجربه عینی" نزاع می‌باشد که به تبع این مطالعات و بررسی‌ها مطرح شده است. البته مطالعه‌ها ذکر شده تنها به یک بعد مشاهده پرداخته‌اند در صورتی که ما برای به دست آوردن این متغیر نه تنها مشاهده نزاع؛ بلکه تجربه شخصی و خانوادگی فرد را هم مطرح نموده ایم، لذا بر اساس این متغیر هرچه افراد تجربه بیشتری از نزاع جمعی داشته باشند، تمایل بیشتری به نزاع دارند.

۳.۲.۳. تبیین‌های روان‌شناختی اجتماعی: تبیین‌های روان‌شناختی اجتماعی کجروی،

درواقع پل ارتباطی میان محیط‌گرایی گسترده در تبیین‌های جامعه‌شناسی و فردگرایی محدود در تبیین‌های روان‌شناختی می‌باشد و فرض نیز بر آن است که کجروی پدیده‌ای است که در خلال کنش‌های متقابل اجتماعی فرا گرفته می‌شود، و این فراگیری نیز ناشی از فرایندهایی؛ مانند یادگیری شرطی، تقویت، مشاهده، و الگوسازی و همچنین برچسب اجتماعی است. آنچه در این دسته تبیین‌ها به عنوان علل پیدایش کجروی معرفی می‌شود، به طور معمول به یکی از محورهای زیر تقلیل می‌یابد؛

۱. نقصان و ناکارآمدی جریان جامعه‌پذیری

۲. نقصان و ناکارآمدی جریان کنترل اجتماعی

۳. فراوانی نامتناسب جریان‌های اجتماعی‌کننده و کنترل‌کننده (صدیقی اورعی، ۲۵: ۱۳۷۴).

۴. ۲. ۳. نظریه‌های جامعه‌شناسی انحراف‌ها: از جمله نظریه‌های جامعه‌شناسی که در ارتباط

با مساله نزاع جمعی قابل طرح است، مفهوم بی‌هنجاری (آنومی) از نگاه "دورکیم و مرتن" می‌باشد. نابهنجاری (Anomy) متضمن فقدان، گسست، شکست یا تعارض هنجارهای اجتماعی است. به طور ساده، بی‌هنجاری مربوط به وضعیتی می‌شود که انجام امور فارغ از هرگونه هنجاری صورت می‌پذیرد و در آن حالت چیزی نمی‌ماند، جز اشتیهای فردی و کنترل‌ناپذیری اشخاص که بی‌حدوحصر اشباع‌ناپذیر است (چلبی، ۱۱۹-۱۱۷: ۱۳۷۲). ایده‌ی اصلی دورکیم در این خصوص آن بود که زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی، تحمل‌ناپذیر می‌شود، و در نهایت نیز به شکل‌گیری پدیده‌ی آنومی، یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب، مقدمه‌ای برای بروز کجروی و خودکشی است. وی اشاره می‌نماید که معیارها و ناهنجاری‌های سنتی، در جوامع امروزی خواه در سطح جامعه و خواه در سطح برخی گروه‌های تشکیل‌دهنده آن، وضعیتی در حال تضعیف دارد بدون آنکه هنجارهای جدیدی جایگزین آن گردد. بر همین اساس بی‌هنجاری در شرایطی پدید می‌آید که در حوزه‌های معینی از زندگی اجتماعی، معیارهای روشن برای راهنمایی رفتار وجود نداشته باشد و پیامدهای آنومی نیز در شکل نوعی نابسامانی روانی و فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگرخواه او متجلی به نظر دورکیم، علت آشکار تحقق آنومی نیز به تحول‌ها شتابان اقتصادی و دیگرخواه او متجلی به نظر دورکیم، علت آشکار تحقق آنومی نیز به تحول‌ها می‌آورد. بدین ترتیب در اندیشه دورکیم، نزاع و سایر اشکال کژرفتاری‌ها معلول مکانیسم‌های معین و عوامل اجتماعی مشخص می‌باشند. اگرچه او به طور خاص بر روی نزاع تأکید نمی‌کند، آشکارا بر این اصل تأکید دارد که عدم اجماع در مورد ارزش‌های مقرر، منجر به محو و غیبت تدریجی اتوریته و ضابطه اخلاقی گردیده و جامعه مدیریت مؤثر و کنترل اجتماعی لازم را بر فرد از دست می‌دهد. از این رو فقدان چنین ضابطه کنترلی و مدیریت اخلاقی، در بروز بی‌هنجاری اجتماعی از جمله نزاع نقش اساسی ایفا می‌کند.

این مفهوم از نظر "مرتین"، به نارسایی فشارهای ساختی جامعه برای هم‌نوایی با ارزش‌های فرهنگی آن برمی‌گردد و بروز انحراف را ناگزیر می‌سازد (کوئن، ۲۲۰: ۱۳۷۲).

بدین ترتیب در اندیشه‌ی وی نزاع نیز مانند همه صور و اشکال انحرافات و کژرفتاری‌ها زاییده‌ی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی است. رابرت مرتون، مفهوم بی‌هنجاری را برای نشان دادن اختلاف بین هدف مورد تأیید جامعه و دسترسی به وسایل کسب آن به کار می‌برد (شیخ‌وندی، ۷۱: ۱۳۷۳).

آنومی به دلیل ویژگی‌های که گفته شده می‌تواند باعث افزایش نزاع جمعی شود؛ چرا که در چنین وضعیتی فرد در برابر قواعد و سنجه‌های اجتماعی رفتار، سرگردان و سرگشته بوده و با توجه به این آشفتگی، فرد توان پیروی از هنجارها و قواعد اجتماعی را ندارد. در مقابل جامعه‌ای که فارغ از این

تشویش باشد به نوعی دارای انسجام و همبستگی است. همبستگی حائز یک معنای اخلاقی بوده که متضمن وجود اندیشه یک وظیفه و یا الزام متقابل است و همچنین یک معنای مثبت از آن بر می‌آید که وابستگی متقابل کارکردها، اجزا و یا موجودات در یک کل ساخت‌یافته را می‌رساند. به زبان جامعه‌شناسی، همبستگی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به طور متقابل نیازمند یکدیگر هستند. دورکیم، همبستگی مکانیکی و همبستگی عضوی را با معنایی خاص، به کار برده است. از نظر او همبستگی مکانیکی به معنای وابستگی متقابل عناصر مشابه اجزای همگن در یک کل اجتماعی فاقد تمایزات داخلی است. اما همبستگی عضوی از تقسیم کار اجتماعی و به همراه آن کارکردها و تلاش‌های ی که همچون فرآیند کار اعضای متمایز در اندام یک موجود زنده یکدیگر را تکمیل می‌کنند، ایجاد می‌شود (ساروخانی، ۴۰۱: ۱۳۷۵). بنابراین یک جامعه، گروه یا موقعیت اجتماعی تا درجه‌ای همبسته خوانده می‌شود که اعضایش دارای یک وجدان جمعی با اعتقادها و عواطف مشترک بوده و، با یکدیگر رابطه متقابل داشته باشند و احساس کنند که وقف اهداف مشترکی هستند. بنا به نظر دورکیم، آنچه موجب افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی می‌شود احساسی است که در میدان تعاملی به وجود می‌آید و عاطفه جمعی نام دارد و عاطفه جمعی عمیق‌تر طی مناسک جمعی به وجود می‌آید و بدین ترتیب موجبات افزایش و تحکیم انسجام را فراهم می‌کند (چلبی، ۲۲: ۱۳۷۲). بر همین اساس می‌توان گفت هرچه "آشفته‌گی و عدم انسجام" در جامعه مورد مطالعه بیشتر باشد، امکان گرایش به نزاع افزایش می‌یابد؛ بنابراین انسجام اجتماعی نیز به عنوان یکی از متغیرهای مستقل در نظر گرفته شد.

مفهوم "محرومیت نسبی" را اولین بار در دهه ۱۹۴۰ نویسندگان کتاب سرباز آمریکایی به کار بردند. آن‌ها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده کردند که فاقد منزلت یا شرایطی است که به اعتقاد خودش باید داشته باشد. معیار چنین شخصی مراجعه به داشته‌های اشخاص یا گروه‌های دیگر است. بنابراین، محرومیت نسبی به عنوان برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارهای ارزشی و توانایی‌های ارزشی انسان تعریف می‌شود و طبق تعاریف فوق، انتظارهای ارزشی، کالاها و شرایط زندگی هستند که مردم خود را مستحق آن‌ها می‌دانند. توانایی‌های ارزشی، کالاها و شرایطی هستند که مردم فکر می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آن‌ها را دارند. این تعریف بر برداشت ذهنی از محرومیت تأکید دارد. مردم ممکن است به طور ذهنی و با توجه به انتظاراتشان احساس محرومیت کنند؛ اما یک ناظر عینی آن‌ها را نیازمند قلمداد نکند، به همین ترتیب کسانی که در وضعیتی به سر می‌برند که از دید یک ناظر، نهایت فقر یا محرومیت مطلق است، ممکن است آنرا ناعادلانه یا چاره‌ناپذیر قلمداد نکنند. راه حل گر (T.R. Gurr) نیز که بر پایه فرضیه یا قانون ناکامی - پرخاشگری - بنا شده است، بیانگر این است که احساس محرومیت نسبی وقتی به وجود می‌آید که فرد مشاهده کند شخص دیگر چیزی دارد که او ندارد و آن خود مایل است آنرا داشته باشد (رفیع پور، ۴۶-۴۵: ۱۳۷۸). بنابراین، محرومیت نسبی زمانی احساس می‌شود که شخص تصور کند معنایی که برای

آن وضعیت قابل بوده و معنایی که برای آن وضعیت قابل بوده، با وضعیت کنونی مطابقت ندارد و وضعیت کنونی به گونه‌ای دیگر در ذهن او تجسم می‌یابد. بر اساس تعریف محرومیت نسبی می‌توان گفت؛ چنان چه فرد مورد مطالعه از محرومیت نسبی بیشتری برخوردار باشند به تبع گرایش بیشتری به نزاع دارند.

از جمله متغیرهایی که محققان با توجه به تجربیات و مطالعات دیگران احتمال می‌دادند که ارتباط قوی با نزاع جمعی داشته باشند، متغیرهای میزان رضایت از زندگی و قوم‌گرایی بود. یکی از ویژگی‌های نظام ایلی معمولاً "قوم‌گرایی" است. یک گروه قومی، اجتماع کوچکی از انسان‌ها در درون جامعه بزرگ‌تر است که به صورت واقعی، احساسی و ادراکی دارای اصل و نصب مشترک، خاطرات مشترک و گذشته تاریخی - فرهنگی مشترک است. همچنین دارای یک یا چند عنصر سمبلیک نظیر خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک می‌باشد که هویت گروهی آنان را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضای آن به وابستگی‌های گروهی - قومی خویش آگاهی دارند. می‌توان شاخص زیر را در تمایز قوم از دیگر گروه‌های اجتماعی قرار داد. مهم‌ترین ممیزه در ابعاد فرهنگی نهفته است که مشتمل بر زبان، مذهب، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی است (مقصودی، ۲۰-۲۱: ۱۳۸۰). در اینجا منظور از میزان قوم‌گرایی همان میزان گرایش یک فرد به مؤلفه‌های قومیت خود می‌باشد. برای به دست آوردن این متغیر، ابعاد مختلفی که یک قوم را تشکیل می‌دهد نمونه‌ی در نظر گرفته شده و به ویژه بر بعد فرهنگی آن تأکید شده است.

۳.۳. مدل تحقیق

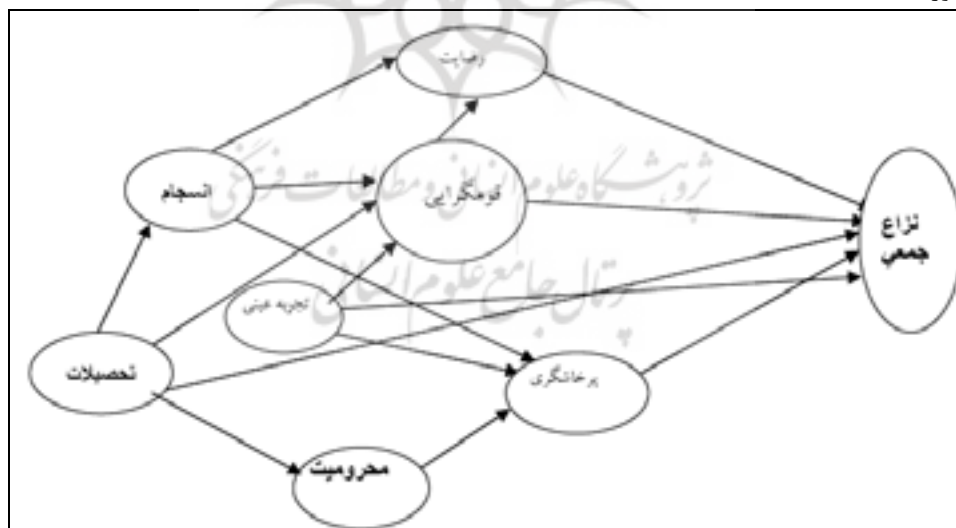
در نهایت با توجه به مطالعه‌های فرضی و جمع‌بندی این رویکردها در خصوص انحراف‌ها و کژرفتاری، می‌توان متغیرهای مهمی را که می‌توانند در ارتباط با مسأله نزاع جمعی قرار بگیرند و درصدی از واریانس آن را مورد تبیین قرار دهند (تا بتوان بر اساس این متغیرها به راهکارهایی جهت کنترل و یا حداقل کاهش این مسأله دست یافت) در جدول زیر مطرح نمود که همراه با آن فرضیه‌های تحقیق و مدل فرضی به منظور آزمایش مطرح شده است.

جدول ۱: متغیرها و مبنای نظری آنها

متغیرهای تحقیق	صاحب نظر یا صاحب نظران
جنس و تأهل	محققان حوزه زیست‌شناختی انحراف‌ها: آیزنک، تراسلر و ... (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳)
تحصیلات	نویسندگان بر اساس برداشت از محققان متعدد
پرخاشگری	دولارد، میلر، دوب، مورر، سیرز، لئونارد بروکویتز (محسنی تبریزی، ۱۳۷۲)
محرومیت نسبی	گر، ساترلند، رانسیمن و هولندر (رفیع پور، ۱۳۷۷)
انسجام اجتماعی	دورکیم، آگبرن، رفیع پور، چلبی و ساروخانی (چلبی، ۱۳۷۲)
رضایت از زندگی	محسنی (۱۳۸۱)

متغیرهای تحقیق	صاحب نظر یا صاحب نظران
قومگرایی	مقصودی (۱۳۸۰) و نویسندگان
تجربه عینی نزاع	باندورا، لئونارد برکویتز، کلیفورد شاو، مک کی و دیگران (اشرف، ۱۳۵۵)
نزاع جمعی وابسته	هومنز، کلی، تیپوت، گیدنز، کلارک و مایهيو، پورافکاری و دیگران (منابع مختلف)

بالاخره، بهترین مدل تبیین‌گر درباره عوامل تعیین‌کننده نزاع جمعی، مدلی است که بر مبنای آن مدل، پدیده‌های اجتماعی- فرهنگی به لحاظ کارکردی با پدیده‌های محیطی، زیستی و روانی در ارتباط هستند. براساس این مدل، می‌توان گفت مسأله نزاع، منظومه‌ای است متشکل از متغیرهای متعددی که می‌توانند در پنج قلمرو زیر سامان یابند: قلمرو زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی. هر قلمرو، نمایانگر مقوله‌ای از اطلاعات است که در ارزیابی علل وقوع نزاع اساسی می‌باشد. متغیرهای هر قلمرو، در کنش متقابل دائم با متغیرهای قلمروهای دیگر هستند. به‌گونه‌ای که هر متغیر در یک قلمرو، بر تغییر در سایر قلمروها تاثیر می‌گذارد. در نهایت، تأکید ما در اینجا متمرکز بر نزاع به عنوان پدیده‌ای چندبعدی است. با ترکیب مدل‌های مختلف که ذکر شد آن‌ها می‌توان مدل تعدیل شده زیر را برای بیان نگرش چندبعدی خود نسبت به مسأله نزاع ارائه نمود. لازم به ذکر است از آنجایی که متغیرهای مدل‌های رگرسیونی حداقل باید دارای مقیاس رتبه‌ای باشند، لذا متغیرهای جنس و تأهل (به دلیل داشتن مقیاس اسمی) در مدل وارد نشدند و برای آزمون فرضیه‌های مربوط به آن‌ها از آزمون t به طور جداگانه استفاده شده است.



نمودار ۱: مدل نظری تحقیق.

۳.۴. فرضیه‌های تحقیق

الف) بین میزان رضایت از زندگی و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه وجود دارد.

- ب) بین احساس محرومیت نسبی و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه وجود دارد.
 پ) بین میزان انسجام اجتماعی و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه وجود دارد.
 ت) بین میزان قوم‌گرایی و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه وجود دارد.
 ث) بین تجربه عینی نزاع و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه وجود دارد.
 ج) بین میزان گرایش به پرخاشگری و میزان گرایش به نزاع جمعی رابطه وجود دارد.
 و) میزان گرایش به نزاع جمعی بر حسب تحصیلات متفاوت است.
 ه) میزان گرایش به نزاع جمعی بر حسب جنسیت متفاوت است.

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش پیمایش (Survey Method)، در مقطع زمانی ۱۳۸۵ و در استان ایلام صورت گرفته است. استان ایلام مشتمل بر ۷ شهرستان، ۱۷ بخش و ۳۶ دهستان است. استان ایلام با مساحتی برابر با ۱۹۰۴۵ کیلومتر مربع، در جنوب‌غربی کشور واقع شده و بر اساس آمارگیری عمومی نفوس مسکن در سال ۷۵ این استان دارای ۴۸۷۸۸۶ نفر جمعیت است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶). جامعه آماری تحقیق، مناطق روستایی سه شهرستان ایلام، ایوان، شیروان و چرداول با جمعیتی معادل ۶۸۴۵۵ نفر می‌باشد. نمونه انتخابی به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای چندمرحله‌ای و با حجمی معادل ۱۶۵ نفر و از طریق فرمول کوکران تعیین شد. هرچند بر اساس فرمول نیاز به تعداد بیشتری نمونه داریم؛ اما متناسب با امکانات، زمان، نیروی انسانی، هزینه و محدودیت‌های جمع‌آوری داده‌ها در مناطق روستایی، تعداد ۱۶۵ نفر انتخاب شدند.

$$N = 68455; t = 1.96; p = 0.5; q = 0.5; d = 0.05$$

$$n = \frac{t^2 pq / d^2}{1 + \frac{1}{N} (t^2 pq / d^2 - 1)}$$

$$n = \frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2} = 384$$

$$n = \frac{1}{68455} \left(\frac{1.96^2 \times 0.5 \times 0.5}{0.05^2} - 1 \right)$$

داده‌های مورد نیاز تحقیق، بادوروش پرسشنامه و مراجعه به اسناد جمع‌آوری گردید. طراحی پرسشنامه بر اساس مبانی نظری صورت گرفت. به منظور اطمینان از روایی (Validity)، پرسشنامه طراحی شده قبل از تکمیل بر اساس نظرچند تن از اساتید صاحب نظر دانشگاه اصلاح گردید و به منظور کسب اعتبار (Reliability) نیز با انجام پیش‌آزمون (Pre-test) و تکمیل آن در نمونه‌های مقدماتی به حجم ۳۰ نفر، با انجام آزمون (آلفای کرونباخ) به اصلاح نهایی گویه‌ها اقدام شد. متغیر

وابسته تحقیق میزان گرایش به نزاع جمعی و متغیرهای مستقل تحقیق نیز مشتمل بر تحصیلات، جنسیت، تأهل، انسجام اجتماعی، محرومیت، پرخاشگری، قوم‌گرایی، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی می‌باشند که گزینش این متغیرها و انتخاب گویه‌های مربوط برای سنجش آن‌ها بر اساس مبانی نظری، بررسی منابع موجود و مطالعات انجام شده صورت گرفته است. جدول شماره (۲) گویه‌های نهایی هر کدام از متغیرها را پس از انجام پیش‌آزمون و اجرای آزمون (آلفای کرونباخ) نشان می‌دهد. به‌منظور پردازش داده‌ها و تهیه شاخص‌های مناسب جهت اجرای مدل‌های آماری مورد نظر، برای هر کدام از متغیرهای مستقل فوق "شاخصی ترکیبی" محاسبه شد. به این منظور پس از یکدست کردن گویه‌ها (recode کردن گویه‌های با جهت مخالف)، گویه‌های مربوط به هر متغیر وارد مدل آماری "تجزیه به مؤلفه‌های اصلی" (PCA) شده و عناصر مربوط به بردار ویژه متناظر با بزرگترین مقدار ویژه ماتریس همبستگی درونی آن‌ها به عنوان ضرایب وزنی گویه‌ها استخراج گردید. با ضرب نمودن هر گویه در ضریب وزنی مربوط و سپس جمع گویه‌های موزون، شاخص ترکیبی (Composed Index) مورد نظر به دست آمد. به این ترتیب داده‌های مورد نیاز برای اجرای مدل‌های مورد نیاز آماری، در مقیاسی فاصله‌ای-نسبی بدست آمدند. به طور کلی عملیات مربوط به این مرحله، که در هر مطالعه‌ای بعد از مرحله جمع‌آوری داده‌ها و قبل از مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام می‌شود، علاوه بر خلاصه‌سازی اولیه و تهیه شاخص‌های کمی معنادار و قابل مقایسه، با ارتقاء مقیاس داده‌ها از رتبه‌ای به فاصله‌ای-نسبی، باعث افزایش و ارتقاء کیفیت داده‌ها شده و به این ترتیب امکان بهره‌گیری از تمامی روش‌های پارامتری پیشرفته‌ی آماری را به منظور تجزیه و تحلیل آن‌ها فراهم می‌نماید (امینی فسخودی، ۱۳۸۵).

۵. تجزیه و تحلیل و نتایج

در این قسمت به منظور پاسخ به سئوالات تحقیق، ابتدا با بهره‌گیری از تحلیل رگرسیون، به تشخیص عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی و میزان و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها پرداخته و در ادامه نیز با استفاده از آزمون t تأثیر عواملی نظیر جنسیت و تأهل را بر نزاع و متغیرهای مستقل مؤثر در آن سنجیده و با استفاده از آزمون F نیز به مقایسه آن‌ها در میان سه شهرستان مورد مطالعه و همچنین طوایف مختلف جامعه مورد مطالعه خواهیم پرداخت.

۵.۱. آزمون فرضیه‌ها

۵.۱.۱. آزمون t : اجرای آزمون t مستقل بر روی دو گروه مردان و زنان و همچنین افراد متأهل و مجرد برای هر کدام از متغیرهای گرایش به نزاع جمعی و پرخاشگری در جامعه روستایی مورد مطالعه، نتایج زیر را در بر داشت.

جدول ۶: مقایسه میانگین‌های گرایش به نزاع و پرخاشگری بر حسب جنسیت و تأهل

پرخاشگری			میزان گرایش به نزاع جمعی			متغیرها	
Sig.	t	میانگین گروهی	Sig.	t	میانگین گروهی		
۰/۷۴۴	۰/۳۲۷	۶/۷۱	۰/۹۱۴	-۰/۱۰۸	۱۴/۶۳	زنان	جنسیت
		۶/۵۷			۱۴/۵۴	مردان	
۰/۳۱	۱/۰۱	۶/۴۵	۰/۵۱۶	۰/۶۵۱	۱۴/۳۰۶	متأهل	تأهل
		۶/۸۸			۱۴/۸۷۷	مجرد	

همان گونه که ملاحظه می‌شود سطوح معنی‌داری تمامی ۴ آزمون فوق بسیار بالا بوده و به این ترتیب هیچگونه تفاوت معنی‌داری بین دو گروه زنان و مردان و همچنین افراد متأهل و مجرد در هیچکدام از دو متغیر گرایش به نزاع و پرخاشگری در جوامع روستایی استان وجود ندارد. به عبارت دیگر جنسیت و تأهل تأثیر معنی‌داری بر این متغیرها ندارند.



جدول ۲: متغیرهای تحقیق، گویه‌های مربوطه و نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای آنها

متغیر وابسته: میزان گرایش به نزاع ($\alpha = ۰/۹۱$) (نویسندگان)	
<p>- به نظر اقدام به نزاع جمعی و شرکت در آن نشانه غیرت و مردانگی است. - اگر کسی به ما توهین یا فحاشی کند، همه افراد قومیت ما باید علیه او به پا می‌خیزند. - اگر به یکی از اعضای فامیل ما توهین شود و مقابله ای صورت نگیرد بی غیرتی به حساب می‌آید. - گذشتگان احترامشان واجب است و به خاطر بی احترامی به آنها نباید دست روی دست گذاشت. - مثلاً یک نفر از قومیت دیگر قصد از دواج با ما داشته باشد اما بعداً رها کند به سادگی نباید از او گذشت. - وقتی پای آبروی آدم در میان است دیگر قانون نمی‌تواند کاری بکند. - وقتی حیثیت فامیلی آدم از طرف دیگران لطمه خورده باشد، بهترین راه به دست آوردن آبروی خود نزاع جمعی می‌باشد. - وقتی بزرگترها دستور می‌دهند یا فلان قوم و یا گروه بجنگید، آدم مجبور است و نمی‌شود سرپیچی کرد. - وقتی دیگران طعنه‌هایی می‌زنند که حیثیت آدم و قوم و فامیل زیر سؤال می‌رود، آدم نمی‌تواند صبر کند. - وقتی از طرف قوم و قبیله ای نسبت به ما بی‌آبرویی شود، باید به هر طریقی شده آبروی خود را باز خرید. - به نظر امروزه نیازی به نزاع و زد و خورد های دسته جمعی نیست، قانون آدم را به حقش می‌رساند. - به نظر آدم باید کینه‌های گذشته را فراموش کند و نباید به فکر جبران آنها باشد. - اگر در انتخابات مجلس، شورای شهر و... حق قوم و قبیله شما ضایع شود چقدر احتمال دارد به نزاع بپردازد. - اگر دام‌ها و گله‌های اقوام دیگر به مراتع و کشاورزی شما وارد شوند چقدر احتمال درگیری جمعی در پی دارد. - در صورتیکه کسی به شما یا فامیل و خانواده شما توهین کند چقدر احتمال دارد دیگران را به نزاع جمعی تحریک کند. - اگر پای مسأله‌ی ناموس در میان باشد میزان انگیزه شما برای نزاع دسته جمعی در این مورد تا چه حدی است.</p>	
متغیرهای مستقل	
رضایت از زندگی: ($\alpha = ۰/۸۶$) (محسنی، ۱۳۸۱)	تجربه عینی نزاع (نویسندگان)
- تا چه اندازه از زندگی خانوادگی خود راضی هستید	- آیا تا به حال شاهد نزاع دسته جمعی بوده‌اید.
- تا چه اندازه از وضعیت مسکن خود راضی هستید	- آیا تا به حال در نزاع دسته جمعی شرکت داشته‌اید.
- تا چه اندازه در درآمد و اوضاع اقتصادی خانوار خود راضی هستید.	- آیا تا کنون نزاع دسته جمعی برای خانواده شما پیش آمده است.
محرومیت نسبی: ($\alpha = ۰/۸۶$) (هولندر، ۱۳۷۸؛ رفیع پور، ۱۳۷۷؛ گنجی، ۱۳۸۳؛ گر، ۱۳۷۹)	
- بیشتر اوقات خودم را با دیگران مقایسه می‌کنم. - در مقایسه خودم یا دیگران، احساس می‌کنم چیزهایی را که باید داشته باشم، ندارم. - احساس می‌کنم شایستگی آن را دارم چیزهایی که دیگران دارند من هم داشته باشم. - از اینکه برخی امکاناتی که دیگران دارند و من ندارم، خودم را مفسر نمی‌دانم. - مسئولین کشور باعث عقب ماندگی من از دیگران هستند.	
قوم گرایی: ($\alpha = ۰/۷۶$) (مقصودی، ۱۳۸۰؛ خرسندی، ۱۳۸۳ و نویسندگان)	پرخاشگری: ($\alpha = ۰/۸۰$) (میلارد (به نقل از پرداختی، ۱۳۷۸) و نویسندگان)
- آدم باید به اعضای قوم و فامیل خود در کار و مشکلات و ... کمک کند - آدم باید بیشتر با قوم و خویش خودش ارتباط داشته باشد تا با دیگران. - قوم و خویش آدم است که در روز مبادا به داد آدم می‌رسد. - به نظر من زن گرفتن و دختر دادن به غریبه کار اشتباهی است. - به قومیت خود افتخار می‌کنم. - آبی که به جویی می‌ریزد بهتر است به جوی خودی بریزد. - آدم باید بیشتر هوای قوم و فامیل خود را داشته باشد. - داشتن قوم و خویش در ادارات باعث احترام و عزت آدم است. - اگر مسئول جایی بشوم ترجیح می‌دهم کارکنانم از اقوام نزدیک باشند. - به کسی غیر از قوم و فامیل خود نمی‌شود اعتماد کرد. - آدم باید، در انتخابات مجلس، شورای شهر و ... اقوام خود را انتخاب کند.	- بیشتر وقتها دوست دارم از دیگران انتقاد کنم. - اغلب اوقات با افراد جر و بحث می‌کنم. - خیلی علاقه دارم که به دیگران مطالبی بگویم که باعث رنجش آنها شود. - وقتی نسبت به کسی عصبانی می‌شوم، آرامش خودم را حفظ می‌کنم. - اگر کسی با نظرات من مخالفت کند خیلی عصبانی می‌شوم. - وقتی کسی نسبت به من توهین کند، فوراً نسبت به او پرخاش می‌کنم. - اغلب احساس می‌کنم دلم می‌خواهد دیگران را کتک بزنم. - وقتی نسبت به کسی عصبانی می‌شوم اگر توانش را داشته باشم می‌زنم.
انسجام اجتماعی: ($\alpha = ۰/۸۲$) (چلبی، ۱۳۷۲؛ ساروخانی، ۱۳۷۵؛ میلر، ۱۳۸۱ و نویسندگان)	
- در اینجا مردم در انجام کارهایشان به همدیگر کمک می‌کنند. - در اینجا مردم در فکر کسب و کار خودشان هستند. - در این اجتماع به سختی می‌توان دوستانی واقعی پیدا کرد. - در اینجا اگر کسی بخواهد هم‌رنگ جماعت نشود مردم او را رسوا می‌کنند. - احساس می‌کنم که خیلی به اینجا تعلق دارم. - مردم اینجا خیلی از همدیگر بدگویی می‌کنند. - خانواده‌های اینجا معمولاً بر بچه‌های خود نظارت ندارند. - والدین به فرزندان خود می‌آموزند که به حقوق دیگران احترام بگذارند. - مردم اینجا تا وقتی که بچه‌هایشان به در دسر نینتند به آنها توجهی ندارند. - در اینجا به سختی می‌توان شخص قابل اعتماد پیدا کرد. - در اینجا خیلی‌ها به این خاطر با تو دوست‌اند که چیزی را از تو می‌خواهند. - اکثر مردم واقعاً اهمیت نمی‌دهند که چه بر سر نزدیکترین دوست‌شان می‌آید.	

۲.۱.۵. آزمون F (تجزیه واریانس): به منظور مقایسه میزان گرایش به نزاع و همچنین میزان

پرخاشگری در بین مناطق روستایی سه شهرستان ایلام، ایوان، شیروان و چرداول و نیز در بین افراد طوایف مختلف منطقه (شامل طوایف ارکوازی، ملکشاهی، خزل، میش خاص، کلهر، ریزوند و سایر طوایف) و به عبارتی بررسی و آزمون تأثیر منطقه و تعلق طایفه‌ای بر متغیرهای فوق، اجرای ۴ آزمون آنالیز واریانس نتایج زیر را در بر داشت.

جدول ۷: مقایسه میانگین‌های گرایش به نزاع و پرخاشگری در بین طایفه‌ها و منطقه‌های مختلف روستایی

متغیرها	مجموع مجدورات	درجه‌ها آزادی	میزان گرایش به نزاع جمعی			مجموع مجدورات	درجه‌ها آزادی	پرخاشگری			
			Sig.	F	میانگین مجدورات			Sig.	F	میانگین مجدورات	
منطقه روستایی	بین گروهها	۶۹/۷۴	۲	۳۴/۸۷	۱/۱۷	۰/۳۱۳	۳۶/۷۸	۲	۱۸/۴	۲/۶۷	۱/۰۷۲
	درون گروهها	۴۶۱۲/۳۵	۱۵۵	۲۹/۷۵			۱۰۶۷/۵	۱۵۵	۶/۸۸		
	کل	۴۶۸۲/۱	۱۵۷				۱۱۰۴/۲۸	۱۵۷			
تعلق طایفه‌ای	بین گروهها	۱۴۴/۹۲	۶	۲۴/۱۵	۰/۷۴۶	۰/۶۱۳	۵۸/۰۸	۶	۹/۶۸	۱/۲۵۷	۰/۲۸۱
	درون گروهها	۴۸۸۹	۱۵۱	۳۲/۳۷			۱۱۶۳/۱۵	۱۵۱	۷/۷		
	کل	۵۰۳۳/۹۲	۱۵۷				۱۲۲۱/۲۳	۱۵۷			

این بار نیز همان گونه که ملاحظه می‌شود، نتایج آزمون‌های فوق، هیچگونه تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهند و به عبارت دیگر میزان گرایش به نزاع و پرخاشگری در بین طایفه‌های مختلف و منطقه‌های روستایی شهرستان‌های مورد مطالعه تقریباً یکسان است. اما چنانچه سطح مورد قبول معنی‌داری را تا ۹۲ درصد کاهش دهیم، اختلاف بین شهرستان‌ها در مورد با پرخاشگری معنی‌دار خواهد بود و مراجعه به نتایج پس‌آزمون (Post Hoc) نشان می‌دهد که بیشترین میزان آن مربوط به مناطق روستایی ایوان می‌باشد.

۲.۵. تحلیل رگرسیون

با وارد کردن میزان گرایش به نزاع (به‌عنوان متغیر وابسته) و ۷ متغیر مستقل معرفی شده به عنوان متغیرهای پیش‌بین در مدل رگرسیون چندگانه خطی و اجرای آن به روش Enter، نتایج به دست آمده حاکی از تأثیر معنی‌دار مثبت سه متغیر پرخاشگری، قوم‌گرایی و تجربه عینی نزاع و نیز تأثیر معنی‌دار منفی میزان تحصیلات بر روی میزان گرایش به نزاع می‌باشد.

جدول ۳: خلاصه مدل در تحلیل رگرسیون گرایش به نزاع جمعی

R	R ²	R ² تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد
۰/۶۲۲	۰/۳۸۷	۰/۳۵۸	۴/۳۷

مقدار ۰/۶۲۲ برای (R) بیانگر مقدار ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل می‌باشد؛ یعنی گرایش به نزاع با مجموعه ۴ متغیر فوق (یا به عبارتی با برآورد آن از روی معادله رگرسیونی این ۴ متغیر) دارای همبستگی معنی داری به میزان ۶۲/۲ درصد می‌باشد. R² یا "ضریب تعیین" که مجذور ضریب همبستگی چندگانه فوق است، معرف درصدی از پراکندگی (واریانس) متغیر وابسته است که مدل آنرا توجیه می‌کند. بنابراین ۳۸/۷ درصد از واریانس گرایش به نزاع را ۴ متغیر فوق تبیین می‌کنند که درصد نسبتاً بالایی بوده و برازش خوب مدل را می‌رساند. قسمت بعدی از خروجی آنالیز رگرسیون (جدول ANOVA) در واقع چندین فرضیه صفر مبنی بر وجود رابطه خطی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، وجود و معنی‌داری ضرایب رگرسیونی و وجود و معنی‌داری R² را آزمون می‌کند.

جدول ۴: آنالیز واریانس در تحلیل رگرسیون گرایش به نزاع جمعی

مدل	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig.
رگرسیونی	۱۸۱۱/۲۵	۷	۲۵۸/۷۵	۱۳/۵۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۲۸۷۰/۸۴	۱۵۰	۱۹/۱۴		
کل	۴۶۸۲/۱	۱۵۷			

مقدار ۱۳/۵۲ برای F با سطح معنی‌داری بیش از ۹۹ درصد تأییدی بر وجود رابطه‌ای خطی بین گرایش به نزاع و متغیرهای مستقل پیش‌گفته است و همچنین به دین معنی است که لااقل یکی از این متغیرها در معادله رگرسیونی گرایش به نزاع، دارای ضریب معنی‌دار است. در آخرین قسمت خروجی نیز ضرایب متغیرهای مستقل به‌همراه سطح معنی‌داری آن‌ها آمده است.

جدول ۵: ضرایب متغیرها در تحلیل رگرسیون گرایش به نزاع جمعی

Sig.	t	ضرائب استاندارد نشده		مدل	
		Beta	خطای استاندارد		
۰/۱۰۸	۱/۶۱۹		۲/۸۸۴	۴/۶۶۹	عرض از مبدأ
۰/۰۴۹	۱/۷۶۷	-۰/۱۲۱	۰/۲۵۴	-۰/۴۴۸	تحصیلات
۰/۲۳۶	۱/۱۸۹	۰/۰۷۹	۰/۱۴۳	۰/۱۶۹	رضایت از زندگی
۰/۱۵۶	-۱/۴۲۵	-۰/۰۹۴	۰/۱۹۸	-۰/۲۸۲	محرومیت نسبی
۰/۰۰۰	۴/۱۷۴	۰/۲۸۸	۰/۱۴۲	۰/۵۹۳	قوم‌گرایی
۰/۵۲۹	-۰/۶۳۱	-۰/۰۴۳	۰/۱۰۷	-۰/۰۶۷	انسجام اجتماعی
۰/۰۳۳	۲/۱۴۸	۰/۱۴۶	۰/۱۹۰	۰/۴۰۸	تجربه عینی نزاع
۰/۰۰۰	۵/۲۵۷	۰/۳۶۸	۰/۱۴۴	۰/۷۵۸	پرخاشگری

همان طور که مشاهده می‌شود پرخاشگری، قوم‌گرایی و تجربه عینی نزاع دارای تأثیر مثبت و معنی‌دار و تحصیلات دارای اثر معنی‌دار منفی بر روی گرایش افراد به نزاع می‌باشند که کاملاً منطقی بوده و با نظریه‌های موجود در ادبیات موضوع نیز همخوانی دارد. دو متغیر محرومیت نسبی و رضایت از زندگی نیز گرچه تأثیر معنی‌داری ندارند؛ اما جهت رابطه آن‌ها با گرایش به نزاع، برعکس چیزی است که انتظار می‌رود. نکته جالب دیگر نیز آنکه مقدار ثابت (عرض از مبدأ) در معادله رگرسیونی گرچه از مقدار بالایی در مقایسه دیگر ضریب برخوردار است، اما حتی در سطح ۰/۰۵ نیز معنی‌دار نیست و این امر با مقادیر نسبتاً بالایی که برای R و R^۲ ملاحظه شد مطابقت دارد.

۶. نتیجه‌گیری و بحث

بر اساس نظریه‌های موجود در زمینه انحراف‌ها و آسیب‌های اجتماعی و با مراجعه به آرا و نظرات اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه، هفت فاکتور جامعه‌شناختی تحصیلات، رضایت از زندگی، محرومیت نسبی، قوم‌گرایی، انسجام اجتماعی، تجربه عینی نزاع و پرخاشگری به‌عنوان متغیرهای مستقل در مورد پدیده نزاع جمعی به‌عنوان یکی از مهمترین مسائل اجتماعی استان ایلام مورد بررسی و تبیین قرار گرفت و نتایج حاصل از اجرای آزمون‌های مختلف آماری بر روی داده‌های جمع‌آوری شده نشان داد که از میان متغیرهای فوق سه عامل پرخاشگری، قوم‌گرایی و تجربه عینی نزاع به‌ترتیب دارای بیشترین تأثیر مثبت معنی‌دار و عامل تحصیلات نیز دارای تأثیر منفی معنی‌دار بر روی میزان گرایش به نزاع جمعی (به‌عنوان متغیر وابسته) در مناطق روستایی بوده‌اند که این نتایج به ویژه از نظر ارتباط معنی‌دار متغیرهای قوم‌گرایی و وضعیت سواد با نزاع جمعی تطابق خاصی با نتایج تحقیق پور افکاری دارد. تحلیل‌های بیشتر با بررسی و تبیین دو متغیر (پدیده) گرایش به نزاع جمعی و پرخاشگری

به‌عنوان متغیر وابسته و تأثیرگذارترین متغیر مستقل درمورد عواملی نظیر جنسیت، تأهل، تعلق ایلی و محل زندگی پرداخت و نشان داد که هیچکدام از این عوامل، تأثیر معنی‌داری بر روی متغیرهای فوق نداشته‌اند. بنابراین جامعه روستایی استان در زمینه مسائل و انحراف‌های اجتماعی نیز همچون بسیاری از دیگر جوانب زندگی و معیشت روستایی، از وحدت و یکدستی نسبی برخوردار است. به این ترتیب علاوه بر مشارکت و دوشادوشی زن و مرد در معیشت و اقتصاد خانوار که از ویژگی‌های عام جوامع روستایی کشور محسوب می‌شود، می‌توان گفت که در جامعه مورد مطالعه، مشارکت تقریباً یکسان زن و مرد در عرصه‌های اجتماعی نیز مشاهده می‌شود.

به موازات گسترش امکانات و توسعه روستاها، که فقط به بهسازی محیط فیزیکی محدود نمی‌شود و مشتمل بر ویژگی‌های مختلف نرم‌افزاری حیات روستایی، اعم از اجتماعی و فرهنگی نیز می‌باشد، آسیب‌های اجتماعی این حوزه نیز دگرگون می‌شود. در کشور ما هنوز مناطق روستایی نقش به‌سزایی در حیات کلی جامعه ما دارند و آسیب‌های اجتماعی از جمله نزاع در این مناطق، در واقع تهدیدی برای کل جامعه محسوب می‌شود. بنابراین لازم و شایسته است که توجه و همت مسؤولان و برنامه‌ریزان در جهت توسعه و آبادانی روستاها صرفاً به بخش‌های فیزیکی آن محدود نشود، چرا که عدم توجه و غفلت از آسیب‌های اجتماعی یا در واقع بخش نرم‌افزاری این مناطق، منجر به هدر رفتن تلاش‌های صورت گرفته در سایر بخش‌ها خواهد شد. پژوهش فوق متضمن و دربرگیرنده نکات و نتایجی است که می‌تواند به‌عنوان الگو و راهنمایی عملی برای برنامه‌ریزی‌های مسؤولین استان درمورد جوامع روستایی، مورد توجه و تأکید قرار گیرد. این نتایج و نکات را می‌توان این گونه برشمرد؛

- از جهت ارتباط میزان گرایش به نزاع با میزان پرخاشگری، ذهن محقق را متوجه این امر می‌کند که تحقیق مفصلی جهت بررسی ریشه‌های گرایش به پرخاشگری و عوامل موثر بر آن نیاز است تا مشخص شود که چه عواملی دست به دست هم داده‌اند تا جامعه مورد مطالعه، گرایش به پرخاشگری داشته باشد. علاوه بر آن بر اساس تحقیقی گذشته‌نگر، به ریشه‌یابی علل واقعی نزاع‌های جمعی پرداخته شود. بنابراین از نیروها و نهادهای مختلف از جمله نیروهای انتظامی، صدا و سیما، آموزش و پرورش، شهرداری، مساجد، حزب‌ها، شورای شهر و روستا، خانواده‌ها و سازمان‌های ی که وظیفه‌ی سنگینی در خصوص افراد جامعه دارند انتظار می‌رود مشکل گرایش به پرخاشگری را مدنظر قرار داده و برای کاهش آن برنامه‌ریزی کنند تا به همان ترتیب میزان نزاع کاهش یابد.

- با توجه به رابطه‌ی میزان قوم‌گرایی با میزان گرایش به نزاع، می‌باشد، از آنجا که ساختار جامعه مورد مطالعه متشکل از ایل‌های مختلف می‌باشد و هنوز هم افراد هویت خود را بر اساس همان قوم و یا گروهی که به آن تعلق دارند می‌شناسند، مسأله قوم‌گرایی علاوه بر مزایایی که دارد دارای آسیب‌های خاص خود هم می‌باشد. توجه زیاد به هویت قومی خود و داشتن قوم‌گرایی افراطی، نتایج نامطلوبی دربرداشته و لذا ملاحظه می‌شود افرادی که بیشتر قوم‌گرا هستند گرایش بیشتری نیز به نزاع دارند. بنابراین از مسؤولان، و نهادها و سازمان‌ها انتظار می‌رود راهکارها و راه‌حل‌های را در جهت تعدیل

قوم‌گرایی افراد جامعه در برنامه‌های خود گنجانیده و در نحوه اجرا نیز این امر را مورد توجه قرار دهند.
- با بالا رفتن سطح تحصیلات گرایش به نزاع کاهش پیدا می‌کند، لذا از جمله اقدام‌های دیگری که نیاز است صورت گیرد این است که برنامه‌ریزی جهت ارتقای سطح تحصیلات افراد بیش از پیش مد نظر مسؤولان امر قرار گیرد.

- هر چه افراد مورد بررسی در خصوص مسأله‌ی مورد مطالعه (نزاع جمعی) تجربه بیشتری پیدا کرده‌اند (تجربه عینی نزاع) گرایش بیشتری به آن داشته‌اند، لذا پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های مربوطه رخدادهای نزاع‌های جمعی را بیش از پیش کنترل نموده و به حداقل برسانند؛ چرا که متغیر تجربه عینی نزاع نشان داد که افراد هرچه بیشتر در معرض نزاع جمعی قرار گرفته باشند، یعنی در صحنه یا شاهد نزاع جمعی بوده و یا شاهد نزاعی که برای خانواده فرد رخ داده باشد، این امر خود منجر به گرایش بیشتر به نزاع جمعی شده است؛ بنابراین باید از وقوع این امر در ملاء عام جلوگیری نمود.

یادداشت‌ها

- | | | |
|-------------|------------|-----------------|
| 1. Quetelet | 2. Gary | 3. Harollambous |
| 4. Durkheim | 5. Parsons | 6. Merton |
| 7. Cohen | 8. Miller | 9. Cloward |
| 10. Ohlin | 11. Mckay | 12. Shaw |
| 13. Lesslie | 14. Horton | |

منابع

الف. فارسی

آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۷۷). *بررسی مسائل اجتماعی*. تهران: مؤسسه نشر جهاد وابسته به جهاد دانشگاهی.

اشرف، احمد. (۱۳۵۵). *کژرفتاری، مسائل رفتاری و آسیب‌شناسی اجتماعی*، مجموعه گفتارهای درسی. تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.

امینی فسخودی، عباس. (۱۳۸۵). *بررسی و تحلیل وضعیت شاخص‌های فرهنگی در مناطق روستایی کشور*. تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.

پرداخت‌چی، محمدحسن. (۱۳۷۸). *خشم عامل مهمی در فروپاشی ارتباطات انسانی*. *مجله مدیریت آموزش و پرورش*، ۲۲.

پورافکاری، نصرالله. (۱۳۸۳). *نزاع‌های جمعی محلی*. *مجموعه مقاله‌های اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

- چلبی، مسعود. (۱۳۷۲). **جامعه‌شناسی نظم**. چاپ اول، تهران: نشر نی.
- حسینی، سیدرضا. (۱۳۸۳). **آمار جرایم در ایران**. مجموعه مقاله‌های اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد اول، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- خرسندی، جعفر. (۱۳۸۳). **بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در عمران روستایی شهرستان کرمانشاه (مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه)**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). **آنومی یا آشفتگی اجتماعی**. تهران: سروش.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۷). **آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). **دایره‌المعارف علوم اجتماعی**. تهران: موسسه کیهان.
- شیخوندی، داور. (۱۳۷۳). **جامعه‌شناسی انحراف‌ها**. چاپ سوم، تبریز: نشر مرندید.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۳). **آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحراف‌های اجتماعی)**. تهران: آن.
- صدیقی اورعی، غلامرضا. (۱۳۷۴). **جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی جوانان**. مشهد: جهاد دانشگاهی.
- طهماسبی، علیرضا. (۱۳۷۵). **طرح بررسی روش‌های حل منازعات قومی منجر به قتل در بین عشایر ایل تبار ایلام**. ایلام: شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عبدالهی، محمد. (۱۳۸۳). **طرح مسایل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت‌ها**. مجموعه مقاله‌های مسایل اجتماعی ایران، تهران: مؤسسه نشر آگه.
- عبدالهی، محمد و چلبی، مسعود. (۱۳۷۲). **طرح تحقیقی توصیف و تبیین نزاع‌های جمعی در لرستان**. دفتر امور اجتماعی استانداری لرستان.
- کوئن، بروس. (۱۳۷۲). **مبانی جامعه‌شناسی**. ترجمه‌ی غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.
- گر، تد رابرت. (۱۳۸۳). **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند**. ترجمه‌ی علی مرشدی‌زاده، تهران: نشر کوثر.
- گنجی، محمد (۱۳۸۳)، **تبیین وضعیت دینداری دانشجویان**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۱). **رضایت اجتماعی در ایران**. تهران: نشر آرون.

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۲). خودکشی در استان ایلام. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). *وندالیسم*. تهران: انتشارات آن.

مرکز آمار ایران. (۱۳۷۶). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن (شهرهای اصفهان، اهواز و ایلام در سال ۱۳۷۵)*. تهران.

مقصودی، مجتبی. (۱۳۸۰). *تحولات قومی در ایران*. تهران: نشر مؤسسه مطالعات ملی.

ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحراف‌های اجتماعی: دیدگاهها و نظریه‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

میلر، دلبرت. (۱۳۸۱). *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*. ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.

نظری، جواد. (۱۳۸۳). *مسأله اجتماعی از نگاه سه مکتب عمده جامعه‌شناسی*. چکیده مقاله‌های هفته پژوهش، دانشگاه اصفهان.

هولندر، ادوین. (۱۳۷۸). *روانشناسی اجتماعی*. ترجمه‌ی احمد رضوانی، مشهد: نشر شرکت به‌روش.

